

ارزش‌های حاکم بر خانواده ایرانی و تغییرات آن؛ ۱۳۷۹-۱۳۹۸ (فرا تحلیل یافته‌های پیمایش‌های ملی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

خیام عزیزی مهر

استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

khazizimehr@ut.ac.ir

چکیده

در دنیای امروزی که ارزش‌های اجتماعی - اخلاقی دچار دگرگونی شده، سنت‌ها و ارزش‌های پذیرفته‌شده، دیرپا و جاافتاده خانواده نیز از این روند متأثر و به چالش کشیده شده‌اند. از آنجا که ارزش‌ها تعیین‌کننده امور مطلوب و مشروعیت‌بخش هنجارهای اجتماعی هستند، پیامد تغییر آن‌ها جابه‌جایی در اولویت‌ها و ترجیحات افراد است. مقاله حاضر، با بررسی این موضوع در نظام خانواده در ایران سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که ارزش‌های مورد توافق خانواده ایرانی کدام‌اند؟ این ارزش‌ها چه تغییراتی را در دهه‌های اخیر تجربه کرده‌اند؟ و دگرگونی آن‌ها در چه جهتی بوده است؟ برای پاسخ به پرسش‌های فوق از یافته‌های پژوهش‌های پیشین، با تأکید بر پیمایش‌های ملی، استفاده شده و تلاش شده است با فراتحلیل پژوهش‌های پیشین و تحلیل ثانویه یافته‌های پیمایش‌های ملی پاسخ مناسبی را برای پرسش‌های یادشده ارائه کند. نتایج نشان می‌دهند که برخلاف برخی ادعاها مبنی بر فروپاشی یا رشد فردگرایی خودخواهانه در خانواده ایرانی، یافته‌های پیمایش‌های ملی چنین تصویری را ارائه نمی‌کنند و نشان می‌دهند که خانواده واجد جایگاهی بسیار مهم در اذهان اعضا

بوده و محور اصلی شبکه‌سازی حمایتی را تشکیل می‌دهد؛ اما برخی از تعهدات و مسئولیت‌های سابقاً اخلاقی در میان نسل‌های جوان‌تر در حال کم‌رنگ شدن و استحاله است. علاوه بر این، با وجود فردی شدن و سنت‌زدایی در خانواده، شاهد استمرار و پایداری بیشتر سنت‌ها در عرصه خانواده هستیم؛ در اینجا فردی شدن به معنای به رسمیت شناختن میزانی از آزادی عمل، استقلال و حق انتخاب، به ویژه برای فرزندان و زنان، است و سنت‌زدایی نیز اشاره به تغییر شکل شبکه‌های تعاملاتی خانواده دارد.

واژگان کلیدی:

ارزش‌های حاکم بر خانواده، تغییرات خانواده، فردی شدن، سنت‌زدایی، مرجعیت خانواده

بیان مسئله

خانواده به عنوان یکی از قدیمی ترین نهادهای ساخته بشر همواره جایگاه کلیدی در نظام اجتماعی داشته و منبع حمایتی قوی و کارآمدی را برای اعضای فراهم ساخته است. ساختار خانواده، هرچند در برهه‌های زمانی مختلف تغییراتی را تجربه کرده، اما همچنان پابرجا مانده و از یک ثبات برخوردار بوده است. با این توصیف خانواده محملی برای برآورده کردن برخی از نیازهای مهم افراد بوده و آن‌ها نیز سعی کرده‌اند بین نیازهای خود و ارزش‌های خانوادگی توازن لازم را برقرار سازند؛ بدین معنا که افراد می‌بایست خواسته‌های خود را در چارچوب سنت‌های اجتماعی و خانوادگی تعدیل و سنت‌ها را بازتولید کنند؛ اما با ورود به دوره مدرن بسیاری از سنت‌های قوی و مستحکم گذشته متزلزل و قدرتشان تضعیف شد. در این چارچوب افراد تقید کمتری به هنجارهای اجتماعی و سنت‌های کهن می‌جویند و این اتفاق در عرصه خانواده نیز به وقوع پیوسته است. مهم‌ترین تأثیرپذیری خانواده از ورود به دنیای مدرن در گام اول کوچک شدن اندازه خانواده بود که از آن به -عنوان خانواده هسته‌ای یاد می‌شود. این تغییر حجم خانواده سایر کارکردهای خانواده را نیز دستخوش تغییر کرد؛ خانواده هم به لحاظ ارزشی و نگرشی و هم به لحاظ ساختار متفاوت از آن چیزی شد که برای قرن‌ها دوام داشت. تحولات یادشده تحت تأثیر محیط بیرونی به -وقوع پیوست؛ بر همین اساس، دیدگاه‌های نظری تغییرات در نظام خانواده را بر مبنای مفاهیمی مثل نوسازی، تحول ارزشی، گذار جمعیتی و نظایر آن تبیین کرده‌اند. هرچند این روند از دنیای توسعه یافته غربی شروع شد، اما به تدریج تبدیل به یک الگوی جهانی شد، البته با جزئیاتی متفاوت در هر منطقه از جهان.

خانواده در ایران نیز از دگرگونی در سایر بخش‌های جامعه تأثیر پذیرفته و بر پوسته سنتی آن ترک‌های بزرگ افتاده است. برخی از مسئولان و سیاست‌گذاران از روند تغییرات احساس نگرانی کرده و درباره آن هشدار می‌دهند، برخی دیگر آن را امری طبیعی و غیرنگران‌کننده در فرایند مدرن شدن جامعه می‌پندارند. بدیهی است که هر کدام از آن‌ها از مواضع ارزشی خود به این مسئله می‌نگرند. فارغ از نگرانی‌های ارزشی و نگرشی، هر شکلی از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیازمند فهم و شناخت تجربی و مبتنی بر واقعیت از

پدیده‌ها است. لذا، شناخت ماهیت، اشکال، روند و جهت تغییرات برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌ها اهمیت حیاتی دارد و بدون فهم این موارد نمی‌توان انتظار تحقق اهداف سیاست‌گذاری را داشت.

پژوهش‌های مختلفی سعی کرده‌اند تغییرات نظام خانواده در ایران را بر مبنای شواهد تجربی به تصویر بکشند و آن را بر اساس ادبیات نظری این حوزه تبیین کنند. با وجود این، اغلب این تحلیل‌ها بر یافته‌های منطقه‌ای و شهری نباشد و تحلیل‌های کمتری در سطح ملی ارائه کرده‌اند. پیمایش‌های ملی که در بیش از دو دهه گذشته انجام شده‌اند شواهد مناسبی را به دست داده‌اند که می‌توان بر مبنای آن‌ها تحلیلی از تغییرات خانواده در ایران، روند و شدت آن به دست داد. در این مقاله سعی می‌شود با استفاده از یافته‌های پیمایش‌های ملی که جزئیات آن‌ها در ادامه توضیح داده می‌شود، به بررسی وضعیت تغییرات نظام خانواده در جامعه ایران طی حدود سه دهه گذشته پردازد و بدین منظور به پرسش‌های زیر پاسخ دهد؛ ارزش‌های مورد توافق خانواده ایرانی کدام‌اند؟ این ارزش‌ها چه تغییراتی را در دهه‌های اخیر تجربه کرده‌اند؟ دگرگونی آن‌ها در چه جهتی بوده است؟ بر مبنای یافته‌های این پیمایش‌ها چه ویژگی‌هایی را می‌توان برای خانواده امروز ایرانی برشمرد؟

برای پاسخ‌دهی به پرسش‌های فوق، پس از بیان مسئله و ملاحظات روش‌شناختی، مرور کوتاهی بر دیدگاه‌های تبیینی تغییرات خانواده انجام خواهد شد. سپس به مرور پیشینه تجربی و پژوهش‌های انجام‌شده در باب خانواده در ایران پرداخته می‌شود، لازم به توضیح است که در این بخش همه پژوهش‌های مرتبط با خانواده مورد بررسی قرار نخواهند گرفت، بلکه تمرکز بر آن دسته از پژوهش‌هایی است که بر تغییرات ارزشی در نظام خانواده، به ویژه در سطح ملی، تمرکز کرده‌اند. سپس یافته‌های مرتبط با تغییرات خانواده در پیمایش‌های ملی بررسی می‌شوند و بر مبنای آن‌ها مضامین کلیدی برای توضیح تغییرات خانواده استخراج می‌شوند. در پایان نتیجه‌گیری مقاله ارائه می‌شود.

ملاحظات روش‌شناختی

مقاله حاضر مبتنی بر تحلیل یافته‌های مرتبط با خانواده در پیمایش‌های ملی ایران و فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه تغییرات خانواده در ایران است. بر این اساس

پیمایش‌های مورد بررسی شامل «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» (اسدی، ۱۳۵۳)، موج‌های اول تا سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۹۵)، «گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» (۱۳۹۶) و «پیمایش ملی خانواده» (۱۳۹۷) است. در هر کدام از این پیمایش‌ها ابعاد مختلفی از نظام خانواده در ایران سنجش شده است، مؤلفه‌های مورد بررسی در برخی از آن‌ها دارای هم-پوشانی است و برخی هم ممکن است فقط در یک پیمایش سنجش شده باشد^۱. با اینکه پژوهش‌های یادشده در سطح ملی انجام شده‌اند، اما جامعه آماری آن‌ها تفاوت‌هایی با هم دارند که در ادامه جامعه آماری هر کدام از آن‌ها معرفی می‌شود.

قالب ۱: جامعه آماری و جمعیت نمونه پیمایش‌های مورد بررسی

نام پیمایش	جامعه هدف	قلمرو گردآوری داده‌ها	حجم نمونه
گرایش‌های فرهنگی ^۲	جمعیت بالای ۱۵ سال	از هر استانداری و فرمانداری یک شهر و چند روستا	۴۴۲۰
موج اول	جمعیت بالای ۱۵ سال	شهرهای مرکز استان	۱۶۸۲۴
موج دوم	جمعیت بالای ۱۵ سال	شهرهای مرکز استان	۴۶۰۰
موج سوم	جمعیت بالای ۱۵ سال	مراکز استان‌ها، یک شهر غیرمرکز و دو روستا در هر شهر	۱۴۹۰۶
گزارش وضعیت ...	جمعیت بالای ۱۸ سال	شهرهای مرکز هر شهرستان	۸۲۵۰۰
پیمایش ملی خانواده	جمعیت بالای ۱۵ سال	کل شهرهای کشور	۵۰۰۴

تبیین نظری تغییرات خانواده

مطالعات درباره تغییرات خانواده عمدتاً متأثر از دو دیدگاه کلی بوده است که یک دیدگاه بر عوامل ساختاری و نقش آن در تغییرات خانواده تأکید دارد و دیدگاه دیگر نقطه تمرکز خود را بر تبعیت تغییرات خانواده از تغییرات ارزشی جامعه بنا نهاده است. رویکرد

۱؛ بنابراین، در مقاله حاضر در هنگام تحلیل یافته‌ها، ممکن است خانه‌های مربوط به یک پیمایش در جدول یافته‌ها خالی باشد که این موضوع بدین معنا است که مؤلفه و شاخص مربوطه در آن پیمایش سنجش نشده است.

۲. با توجه به طولانی بودن اسم پژوهش‌ها، از این پس در جداول و نیز تحلیل داده‌ها به جای اسم کامل پژوهش تنها دو کلمه اول آن نوشته می‌شود؛ برای مثال برای اشاره به موج‌های مختلف پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان تنها شماره موج ذکر می‌شود (مثلاً موج اول). همچنین پیمایش گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران که علی اسدی آن را انجام داده است با عنوان پژوهش اسدی ذکر می‌شود.

ساختاری برای تبیین تحولات خانواده از دیدگاه «نوسازی» سرچشمه می‌گیرد. یکی از کارهای پراجاع در این زمینه مطالعه ویلیام جی. گود^۱ (۱۹۶۳) است که تغییرات خانواده را ناشی از نوسازی و نمودهای آن نظیر صنعتی شدن، شهری شدن و گسترش حمل و نقل می‌داند. ایده «نوسازی با تمرکز بر مواردی مثل شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، گسترش تکنولوژی، اشتغال زنان و تنوع‌پذیری نهادهای اجتماعی سبب شده کارکردهای قدیمی خانواده به نهادهای دیگری واگذار شود و این تغییر در کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند. در نتیجه خانواده به یک واحد هسته‌ای که بر فردگرایی استوار است تبدیل می‌شود» (قانع‌راد و عزلتی، ۱۳۸۹: ۱۶۷). در واقع، «تحت تأثیر تحولات ساختاری، ساختار سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته تغییر کرده و خانواده‌های جدید با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی توسعه می‌یابد» (کاظمی‌پور، ۱۴۰۰: ۱۰-۹).

دیدگاه دیگر در توضیح تغییرات خانواده ایده گذار دوم جمعیتی^۲ است که بر نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت استوار است. مطابق با ایده گذار دوم جمعیتی «دگرگونی قدرتمند، اجتناب‌ناپذیر و برگشت‌ناپذیر نگرش‌ها و هنجارها در مسیر خودشکوفایی و آزادی فردی بیشتر است» (زیدی و مورگان، ۲۰۱۷) که تغییرات در خانواده را رقم زده است^۳. بر این مبنای دوکا و لستق گسترش فردگرایی، به‌مثابه تغییر در نظام ارزشی خانواده را ناشی از تغییرات ارزشی محیط بیرونی می‌داند.

خانواده ایرانی در آینه پژوهش

مطالعات داخلی در زمینه تغییرات خانواده عمدتاً از چارچوب نظری‌های فوق بهره برده‌اند.

1. William J. Goode

2. The second demographic transition

۳. هرچند این دیدگاه‌ها از تجربه کشورهای توسعه یافته غربی بیرون آمده و ممکن است به همان شکل در دیگر کشورها و جوامع صدق نکند، اما به نظر می‌رسد یک الگوی کم‌ویش جهانی است و بسیاری از کشورهای غیرغربی هم چنین تحولاتی را تجربه کرده یا می‌کنند.

در ادامه به یافته‌های این مطالعات پرداخته می‌شود و بر مبنای نتایج آن‌ها تصویری از تغییرات در خانواده ایرانی ارائه خواهد شد.^۱

کرمی قهی و فراهانی (۱۳۹۵) استدلال می‌کنند که به دلیل تغییرات دائم و مستمر که نوعی بی‌ثباتی را بر خانواده تحمیل می‌کند، نمی‌توان شکل واحدی را برای خانواده ایرانی متصور شد و هم‌زمان می‌توان ویژگی‌های فرهنگ سنتی، مدرن و پسامدرن را در نهاده خانواده مشاهده کرد. از نگاه آن‌ها خانواده ایرانی هم از لحاظ ریخت‌شناسی (نرخ موالید، تأخیر در ازدواج، میزان طلاق و ...) و هم از نظر محتوایی (اشکال عشق‌ورزی و رابطه، اهمیت یافتن فردیت و ...) تغییراتی را تجربه کرده است. یافته‌های بگی و عباسی شوازی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که در دوره ۱۳۶۳-۱۳۹۷ ساختار خانواده ایرانی تغییر کرده و سهم خانوارهای تک‌نفره، تک‌والده و زوجین بدون فرزند افزایش یافته است و با وجود کاهش سهم خانوارهای هسته‌ای در دهه ۱۳۹۰، خانواده ایرانی، به جای تبدیل شدن به الگوی خانواده مستقل غربی، ویژگی‌های الگوی همبستگی عاطفی کاجیتسیباسی^۲ (۱۹۹۶) را به نمایش گذاشته است. آقاجانیان (۲۰۰۱) گسترش ارتباطات فراملی و انتقال هنجارهای فرهنگی خارجی به داخل کشور را عامل تغییرات نگرشی بین نسلی می‌داند که این امر نیز بر افزایش تعارضات جنسیتی دامن می‌زند. در همین راستا، سرایی (۱۳۸۱) نیز تغییرات خانواده در ایران را با نگاه به عوامل بیرونی متأثر از جهانی شدن توضیح می‌دهد.

کاظمی‌پور (۱۴۰۰)، با استفاده از تحلیل ثانویه یافته‌های موج دوم و سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، نشان می‌دهد که خانواده ایرانی در دهه‌های اخیر تغییرات مهمی نظیر تغییر در شکل‌گیری ازدواج و تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج، کاهش

۱. لازم به توضیح است که مطالعات بسیار زیادی در حوزه خانواده در ایران انجام شده است، اما در اینجا عمدتاً به مطالعاتی می‌پردازند که خانواده را در سطح ملی و با استفاده از داده‌های سراسری و ملی مطالعه کرده‌اند، البته برای ارائه شواهد بیشتر در برخی موارد هم به مطالعات محدودتر (در سطح شهر یا استان) هم ارجاع داده شده است.

۲. در این الگو که از سوی کاجیتسیباسی (Kagitcibasi, 1996) ارائه شده «استقلال شخصی [اعضای خانواده] اهمیت پیدا می‌کند و وابستگی‌های متقابل مادی و سلسله مراتب سنتی در نتیجه فرایندهای نوسازی در حال کاهش است، با این حال روابط عاطفی همچنان بسیار مهم باقی می‌مانند.» (بگی و عباسی شوازی، ۱۳۹۹: ۱۰؛ به نقل از مایر، ۲۰۱۳).

میزان ازدواج، افزایش مجرد قطعی، تغییر در دایره و معیارهای همسرگزینی و نیز ایستارهای فرزندآوری تجربه کرده که میزان فرزندآوری در ایران طی چهار دهه اخیر از میزان باروری در حد طبیعی به باروری ارادی و به سطح زیر جانشینی رسیده است. علاوه بر این، ارزش‌ها و نگرش‌ها در مورد ازدواج و فرزندآوری و میزان فردگرایی در سه نسل جوان، میان‌سال و مسن متفاوت است و متأثر از ایده‌گذار دوم جمعیتی استدلال می‌کند که نگرش به فرزند دلخواه و سن مناسب ازدواج با میزان فردگرایی همبستگی معنادار دارد. مطابق با یافته‌های عباسی شوازی و رشوند (۱۳۹۶) از میان متغیرهای ارزشی و نگرشی، برابری جنسیتی و دینداری، بیشترین تأثیر را بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران داشته‌اند. رستگار خالد و محمدی (۱۳۹۴)، افت باروری در ایران را با استفاده از ایده فردگرایی و ارزش‌های خانوادگی تبیین کرده‌اند و معتقدند شهرهایی که بیشترین اهمیت را برای ارزش‌های خانوادگی قائل هستند نرخ‌های باروری بالاتری دارند.

صادقی و رضایی (۱۳۹۸)، با بهره‌گیری از ایده‌گذار دوم جمعیتی معتقدند تغییرات اجتماعی و فرهنگی سبب تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر تهران شده است، به گونه‌ای که حدود یک‌پنجم از جوانان مورد مطالعه نگرش مدرنی به ازدواج و تشکیل خانواده دارند. در واقع، با تغییر جهت‌گیری‌های فرهنگی به سمت فردگرایی، برابری جنسیتی، عرفی شدن و گرایش به رسانه‌های فرامرزی، نگرش‌های سنتی به ازدواج کاهش و نگرش‌های مدرن به ازدواج افزایش می‌یابد. تنهایی و شکرپیگی (۱۳۸۷) نیز، با کاربست چارچوب نظری منتج از رویکرد نوسازی استدلال می‌کنند که بستر خانواده ایرانی به دلیل تجدد دچار تحول و دگرگونی شده است. همچنین، شکرپیگی (۱۳۹۰) تجددگرایی را مانعی بر سر راه اعتقادات مذهبی خانواده‌ها نمی‌داند و معتقد است در خانواده‌های سنتی، تجددگرایی با حفظ سنت همراه بوده است.

آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا (۱۳۸۹) بر مبنای پژوهشی در شهر بندرعباس استدلال می‌کنند نسل فرزندان میزان رضایت از زندگی، تعامل اجتماعی و احساس خوشبختی بالاتری نسبت به والدینشان دارند. در مقابل والدین تأکید بیشتری بر ارزش‌های مذهبی و خانوادگی دارند؛ اما در مجموع، اولویت ارزشی هر دو نسل بیشتر به سمت نیازهای مادی

گرایش دارد. آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی درباره تغییرات خانواده در تهران، ضمن بهره‌گیری از دیدگاه نوسازی، معتقدند که نگرش‌های افراد در خانواده درباره مسائل عمده‌ای چون ازدواج، روابط دختر و پسر قبل از ازدواج و نظایر آن تغییر کرده و تفاوت‌های درون خانواده بر اساس شکل‌گیری و تمایزپذیری نسلی قابل فهم‌تر است. آن‌ها دگرگونی خانواده هسته‌ای در ایران را متناسب با فضای اخلاقی و دینی جامعه و متفاوت از آن در فرهنگ غربی می‌دانند. آزاد ارمکی و شکوری (۱۳۸۱) با انجام یک مطالعه در سطح شهر تهران نشان می‌دهند که خانواده تهرانی در جریان تغییرات اساسی قرار دارد؛ نسل‌های سه‌گانه در درون خانواده، ضمن اینکه به لحاظ وضعیت تحصیلی، شغلی و آرزوها با همدیگر تفاوت دارند، اما در برخی از عناصر ساختی خانواده شاهد حرکت از ارزش‌ها مادی به فرامادی هستیم. آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۸۲) و آزاد ارمکی و شکوری (۱۳۸۱) استدلال می‌کنند از آنجا که باید قابلیت تغییرپذیری و میل به دگرگونی را یکی از مؤلفه‌های نهاد خانواده در تهران تلقی کرد، لذا، تحولات خانواده نشان‌گر انطباق‌پذیری با شرایط جدید اجتماعی فرهنگی ایران و جهان است.

قانع‌راد و عزلتی‌مقدم (۱۳۸۹: ۱۶۴) با بررسی مطالعات خانواده در ایران، یافته‌های آن‌ها را این‌گونه جمع‌بندی می‌کنند:

«هسته‌ای شدن خانواده و کاهش تعداد افراد تحت تکفل، تغییر در بعد خانوار، کاهش نرخ باروری، کاهش میزان مولید، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله، ناپایداری نسبی ازدواج به‌ویژه در سال‌های اولیه زندگی، افزایش میزان تجرد جوانان، رخداد مضیقۀ ازدواج یا کاهش تعداد پسران آماده ازدواج، افزایش طلاق و افزایش خانواده‌های تک‌والدی، افزایش فرزندآوری خارج از حریم خانواده، افزایش موارد تعدد زوجات.»

علاوه بر این، آن‌ها همچنین آسیب‌ها و مسائل مبتلابه خانواده ایرانی را، بر مبنای بررسی پژوهش‌های این حوزه، شامل موارد زیر می‌دانند: کاهش جاذبه فرهنگی ازدواج، کاهش کارکردهای خانواده در امر ازدواج، کاهش اقتدار والدین، فرسایش سرمایه اجتماعی، سست شدن نگرش‌های ارزشی به تقدس نهاد خانواده، تضعیف حیات عاطفی و اخلاق در خانواده، کاهش نقش کنترل اجتماعی خانواده و تضعیف کارکردهای

جامعه‌پذیری خانواده. آن‌ها یافته اصلی خود را، متأثر از دیدگاه انتقادی، شامل تسلط نظام اجتماعی بر زیست جهان، دخالت‌های ناروای بخش عمومی، سیاست‌ها و برنامه‌های ناروای قضایی و حقوقی شدن خانواده می‌دانند که سبب زوال بازتولید فرهنگی خانواده، زوال همبستگی خانواده، زوال کارکرد جامعه‌پذیری شده است (همان).

افشارکهن و همکاران دسته‌بندی با پژوهش‌های حوزه خانواده، معتقدند که این پژوهش‌ها در مجموع از دو رویکرد برای تبیین تحولات خانواده استفاده کرده‌اند شامل رویکرد نوسازی و دیگری رویکرد انتقادی که «تغییرات خانواده را نتیجه فقر و نابرابری اقتصادی، نابرابری جنسیتی و ساختارهای پدرسالار می‌داند» (افشارکهن و همکاران، ۱۳۸۵: ۷۹۶). آن‌ها این واقعیت که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های این حوزه از چارچوب نظری‌های دیگری، نظیر گذار جمعیتی دوم و تحول فرهنگی و ارزشی اینکلهات استفاده کرده‌اند را نادیده می‌گیرند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که نسل دوم عادت‌واره‌هایی متفاوت و البته متأثر، از والدین خود دارند و انتخاب‌هایی را در زندگی دارند که احتمالاً مکمل یا بازتولیدکننده ساختارهای پیشین است، لذا، تغییرات آینده خانواده را باید نتیجه راهبردهای نسل حاضر برای سازگاری با شرایط ساختاری تلقی کرد. چیت‌ساز (۱۴۰۲) بر مبنای تحلیل یافته‌های پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۶) نتیجه‌گیری می‌کند که در بین نسل‌های مختلف شاهد نگرش مثبت و سنتی به امر ازدواج هستیم و درعین حال نگرش مدرن به ازدواج (توجه بیشتر به معیارهای مدرن همسرگزینی و الگوی فردمحور) در میان نسل سوم خانواده ایرانی در حال رشد بوده و ساختار قدرت در نسل سوم خانواده به الگوی خانواده مدنی گرایش دارد.

علاوه بر موارد فوق، محمدپور و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای پیرامون خانواده در ایلات منگور، مؤلفه‌های نوسازی، شامل شهرنشینی، آموزش مدرن و رسانه‌های ارتباطی را عوامل مؤثر بر افول ابعاد سنتی خانواده و پیدایش شکل مدرن آن می‌دانند که طی آن شبکه‌های خویشاوندی و خانوادگی سنتی در بین اجتماعات مورد مطالعه در حال تضعیف هستند. یافته‌های زارع و اصل روستا (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که در شهر هشتگرد ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان نسبت به انتخاب همسر، نظیر سن مناسب برای ازدواج،

ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر و ازدواج فامیلی، باهم تفاوت دارد و نسل جوان، برخلاف والدین خود در انتخاب همسر، بیشتر به ارزش‌های مادی توجه دارند تا فرامادی. خانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی پیرامون ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری دو نسل مادران و فرزندان در سندج، نشان می‌دهد که فرزندان در مقایسه با مادران تمایل کمتری به ازدواج خویشاوندی دارند، ارزش کمتری برای فرزندآوری قائل بوده و تعداد فرزند کمتر با فاصله‌گذاری بیشتر را مطلوب می‌پندارند. سرایی و او جاقلو (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای در شهر زنجان استدلال می‌کنند که نگرش به ازدواج و تشکیل خانواده در بین نسل‌های مربوط به پیش از انقلاب قوی و در نسل انقلاب و جنگ متوسط است و در نسل پس از انقلاب و جنگ که بیش از دو نسل قبل، در معرض تجربه جهانی شدن و گسترش فناوری-های اطلاعاتی بوده‌اند، پایین است.

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در باب خانواده در ایران بیان‌گر گذار از نظم سنتی و قدیمی به نظامی جدید در خانواده است که در آن شاهد دگرگونی در ساختار، رخ‌دادها و سازمان‌دهی زندگی خانوادگی، ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها در خانواده هستیم. مطابق با این تغییرات، فردیت در خانواده رواج پیدا کرده است، اعضای خانواده برای هر کدام از رخ‌دادهای زندگی (ازدواج، فرزندآوری، ادامه زندگی مشترک و ...) در یک چارچوب منعطف‌تری دست به انتخاب و بازاندیشی می‌زنند، البته از این منظر نسل‌های متفاوت یکسان عمل نمی‌کنند و نسل‌های جوان‌تر عموماً گشودگی بیشتری نسبت به مسائل مربوط به خانواده دارند و در چارچوب سنت‌های گذشته باقی‌نمانده‌اند. تغییرات خانواده در ایران کمابیش از الگوی تغییرات در دیگر نقاط دنیا تبعیت کرده است، «اما آنچه خانواده ایرانی را تقریباً متمایز می‌کند، این واقعیت است که در فرایند تحول سنتی، مدرن و پسامدرن شاهد یک تحول خطی نبوده‌ایم. به‌بیان‌دیگر، می‌توان هر سه الگو را در کنار هم دید» (فاضلی، ۱۳۹۱: ۶۰) و آنرا در چارچوب فرهنگ ایرانی تجربه کرده است. براین مبنای، عباسی شوازی و مک دونالد (۲۰۰۸) به تداوم در ثبات خانواده در ایران باوجود وقوع تغییرات اساسی اعتقاد دارند. همچنین، باوجود رشد فردیت و دیگر موارد یادشده، خانواده همچنان مهم‌ترین مرجع برای افراد بوده و نقش شبکه‌سازی

و حمایتی خود را کم‌وبیش داراست. چنین شرایطی نوعی چالش در انتخاب مسیر برای اعضای خانواده ایجاد کرده است و «تحقیقات انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهد در جامعه ایران همچنان این چالش [بازاندیشی و خودتأملی نسبت به تغییرات و واکنش‌های نوستالوژیک سنتی] وجود دارد و افراد هنوز برای انتخاب ارزش‌های خود دچار سرگردانی هستند» (کرمی قهی و موسوی‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۱).

تغییرات نظام خانواده در ایران

در اینجا تغییرات خانواده در ایران بر اساس یافته‌های پیمایش‌های ملی ارائه می‌شود. بدین‌منظور، مطابق با ادبیات نظری مربوط به تغییرات خانواده و نیز یافته‌های حاصل از فراتحلیل مطالعات تجربی که در بخش پیشین انجام شد، مضامین اصلی تغییرات استخراج شده و تاجایی که یافته‌های پیمایش‌های ملی امکان را فراهم کنند، وضعیت آن‌ها در ایران به بحث گذاشته می‌شود.^۱

فردی شدن و سنت‌زدایی

پژوهش‌های پیشین بر رشد فردیت در خانواده در ایران تأکید بسیار دارند. فردیت در خانواده را می‌توان ذیل فرایند سنت‌زدایی تعریف کرد؛ بدین‌معنا که در چارچوب سنت‌های پیشین «فردیت» بسیار کم‌رنگ بوده و افراد بیشتر تابع جمع بزرگ‌تر (خانواده، خویشاوندان و ...) بوده‌اند؛ اما تغییرات دنیای مدرن فردیت را برجسته کرده، افراد را از

۱. توجه به نکات زیر در تحلیل یافته‌ها ضروری است: گزاره‌هایی که به‌صورت طیف سنجش شده‌اند معمولاً گزینه پاسخ که بیان‌گر حد وسط طیف است، در برخی سؤالات و پیمایش‌ها به‌شيوه‌های متفاوتی بیان شده‌اند، برای مثال «متوسط»، «تاحدودی»، «مردد» و ... اما در این مقاله، برای هم‌سان شدن، در همه موارد گزینه «متوسط» به‌کار رفته است. در جداول ارائه یافته‌ها در این مقاله، ممکن است جمع درصدهای برخی مؤلفه‌ها کمتر از ۱۰۰ باشد. این امر ناشی از حذف برخی از گزینه‌های پاسخ است؛ برای مثال در اکثر موارد که گرایش‌ها به‌صورت طیف سنجش شده، برای اختصار و نشان دادن قطب‌های مختلف پاسخ، در مواردی گزینه «زیاد» و «کم» یا «موافق» و «مخالف» آورده شده و گزینه «متوسط» کنار گذاشته شده است.

بسیاری از قیود جمعی بیرون آورده و حق انتخاب و تصمیم‌گیری آن‌ها را افزایش داده است. از جمله مواردی که در این راستا بدان استناد می‌شود انتخاب در ازدواج و انتخاب همسر، فرزندآوری، مکان سکونت و ... است. یافته‌های پیمایش‌های ملی در این باره در زیر ارائه شده است.

استقلال فرزندان

برخورداری افراد از حق انتخاب و تصمیم‌گیری آزادانه درباره امور مختلف زندگی خود را می‌توان به عنوان «استقلال» یاد کرد. نقطه مقابل این وضعیت جایی است که دیگران در تصمیمات افراد اعمال نظر می‌کنند. مطابق با یافته‌های موج سوم ۶۵٫۶ درصد از والدین با اعمال نظر در انتخاب دوست برای فرزندان خود موافق بوده و ۱۸٫۷ درصد مخالف بوده‌اند. این امر در موج دوم ۷۷٫۲ درصد بوده که اما در گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران به ۳۵٫۸ درصد کاهش یافته است.

جدول ۱: سنجه‌های مربوط به اعمال نظر والدین در ابعاد مختلف زندگی فرزندان

موج سوم	موج دوم			گزارش وضعیت اجتماعی و ...			گزینه‌ها		
	موافق	مردد	مخالف	موافق	مردد	مخالف			
۶۵٫۹	۱۵٫۴	۱۸٫۷	۷۷٫۲	۷٫۳	۱۵٫۵	۳۵٫۸	۳۱	۳۳٫۱	اعمال نظر والدین در انتخاب دوست
۲۰٫۵	۲۳٫۵	۵۶	۱۹٫۸	۱۱٫۷	۶۸٫۶	--	--	--	اعمال نظر والدین در زندگی فرزندان پس از ازدواج
۲۳٫۹	۲۴٫۹	۵۰٫۵	۲۶٫۲	۱۲٫۳	۶۱٫۵	--	--	--	زندگی فرزندان در کنار والدین پس از ازدواج

یافته‌های فوق‌گویی این است که طی دو دهه گذشته والدین آزادی عمل بیشتری را برای فرزندان در انتخاب دوست قائل شده‌اند. همچنین، میزان موافقت والدین با زندگی فرزندان پس از ازدواج در کنار آن‌ها نیز روندی کاهشی داشته، اما شیب کاهش آن به شدت مورد پیشین نیست. از آنجا که خانواده‌های ایرانی تلاش دارند حمایت خود از فرزندان حتی بعد از ازدواج را حفظ کنند و فاصله مکانی نزدیک می‌تواند این روند را تسهیل کند، بنابراین، چنین نگرشی دور از انتظار نخواهد بود. موضوع دیگر «اعمال نظر والدین در زندگی

فرزندان پس از ازدواج» است که همچنان حدود یک پنجم والدین با آن موافق هستند. از دیگر موارد مربوط به استقلال اعضای خانواده تصمیم گیری های مربوط به ازدواج و میزان تبعیت از نظرات خانواده است. پرسش از مخالفت/موافقت ازدواج بدون اذن خانواده را می توان در این چارچوب تفسیر کرد. در موج دوم، ۶۸٫۲ درصد از پاسخگویان تلاش برای جلب رضایت والدین، در صورت بروز اختلاف نظر بین والدین و فرزندان در امر ازدواج، معتقدند راه حل مناسب «جلب رضایت والدین و دیگر اعضای خانواده» است، در عین حال ۱۷٫۶ درصد معتقدند که نباید چنین ازدواجی را انجام داد؛ اما در پیمایش ملی خانواده که گزینه های پاسخ به صورت دوقطبی و موافقت/مخالفت غیرمشروط بوده، ۷۷٫۱ درصد از پاسخگویان معتقدند که آن ها نباید ازدواج کنند. بدین ترتیب، بیش از سه چهارم پاسخگویان اعمال نظر والدین برای ازدواج و موافقت آن ها را لازم می دانند و این نشان گر مرجعیت خانوار برای اعضا، به رغم افزایش استقلال آن ها، است.

جدول ۲: (عدم) اقدام به ازدواج در صورت مخالفت خانواده

پیمایش ملی خانوار		موج دوم			ازدواج دختر و پسر با وجود مخالفت خانواده ^۱
ازدواج نکنند	ازدواج کنند	جلب رضایت	ازدواج نکنند	ازدواج کنند	
۷۷٫۱	۲۲٫۹	۶۸٫۲	۱۷٫۶	۱۱	

نظام تصمیم گیری در خانواده

در سنت خانواده ایرانی که معمولاً از آن به عنوان پدرسالاری یاد می شود، تصمیم گیری های اصلی برعهده مرد (پدر) بوده است. میزان مشارکت سایر اعضای خانواده

۱. در موج دوم سؤال بدین شکل بوده است: «اگر دختر و پسر بخواهند با یکدیگر ازدواج کنند، اما پدر و مادرشان با ازدواج آن ها کاملاً مخالف باشند، به نظر شما آن ها باید چکار کنند؟». در پیمایش ملی خانواده ایرانی در قالب دو سؤال پرسیده شده است؛ سؤال اول این است که اگر دختری بخواهد با پسر ازدواج کند اما پدر و مادرش با ازدواج آن ها کاملاً مخالف باشند و با گفتگو هم به نتیجه نرسد، به نظر شما آن ها باید چه کار کنند؟ سؤال دوم هم برعکس اولی است، یعنی اگر پسر بخواهد با دختری ازدواج کند ... در جدول بالا نتایج سؤال اول آمده و نتایج سؤال دوم بدین شکل است: ۲۵٫۳ درصد معتقدند با هم ازدواج کنند و ۷۴٫۷ درصد بر این نظر هستند که با هم ازدواج نکنند.

در تصمیم‌گیری‌ها شاخص دیگری است که تغییرات در ارزش‌ها و نظام تصمیم‌گیری در خانواده را منعکس می‌کند. یافته‌های پژوهش اسدی (۱۳۵۳) بیانگر این است که ۷۲ درصد پاسخگویان مرد را تصمیم‌گیر اصلی خانواده دانسته‌اند، اما در سال‌های بعد این میزان کاسته شده و خانواده به سمت مشارکتی شدن بیشتر حرکت کرده است؛ به گونه‌ای که در موج سوم این نسبت به ۳۸,۹ درصد رسیده، در ۱۸,۹ درصد موارد زن و مرد با هم و ۳۴,۸ درصد نیز همه اعضای خانواده در تصمیم‌گیری راجع به امور مهم نظیر تعیین محل سکونت، خرید ماشین و ... مشارکت دارند.

جدول ۳: تصمیم‌گیر اصلی درباره امور مهم خانواده

موج سوم		موج دوم			پژوهش اسدی			مرد	زن ^۱	تمام افراد بزرگ	اتخاذ تصمیم در امور مهم خانه
همه	مرد و زن	مرد	زن	همه	مرد و زن	مرد	زن				
۳۴,۸	۱۸,۹	۴,۸	۳۸,۲	۱۸,۹	۹,۴	۵	۲۴,۵	۱۸	۱۱	۷۲	

علاوه بر این، در موج سوم در پاسخ به این پرسش که «به نظر شما در یک خانواده، در مورد امور مهم مثل خرید و فروش خانه و ماشین و تغییر محل زندگی چه کسی باید تصمیم‌گیر باشد؟» ۳۱ درصد از پاسخگویان معتقدند که تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده باید برعهده مرد باشد، ۲۰ درصد بر این نظر هستند که زن و مرد با هم و ۴۳,۳ درصد نیز بیان کرده‌اند که همه باید در تصمیم‌گیری‌های مهم نقش داشته باشند؛ به عبارت دیگر، ۶۳,۳ درصد قائل به تصمیم‌گیری مشارکتی هستند. با توجه به این یافته‌ها می‌توان ادعا کرد که میزان پدرسالاری در جامعه بیش از میزان اعتقاد به آن است و این می‌تواند نشانه‌ای بر این باشد که خانواده در حال گذار از پدرسالاری است.

جدول ۴: نگرش نسبت به اینکه چه کسی باید در خانواده تصمیم‌گیر اصلی باشد

همه	مرد و زن با هم	زن	مرد	اتخاذ تصمیم در امور مهم خانه
۴۳,۳	۲۰	۲,۸	۳۱	

۱. در پژوهش اسدی به جای مرد و زن از پدر و مادر استفاده شده و در موج سوم به صورت مرد/پدر و زن/مادر

همچنین در پیمایش ملی خانواده ایرانی ۳۶٫۸ درصد از پاسخگویان با این گزاره که «نان-آور خانواده حتماً باید مرد باشد» موافق و ۳۲ درصد مخالف بوده‌اند و در پاسخ به این گزاره که «در خانه حرف اول و آخر را باید مرد بزند» ۳۱٫۴ درصد موافق و ۴۷٫۹ درصد مخالف بودند؛ اما ۵۱٫۲ درصد از زنان بیان کرده‌اند که در خانواده آن‌ها روی هم‌رفته همسرشان حرف اول و آخر را می‌زند و نسبت مشابه برای مردان ۲٫۰۵ درصد است. می‌توان گفت که در سطح ارزشی بیشتر پاسخ‌گویان موافق این نیستند که مرد/پدر حرف اول و آخر را در خانواده بزند، اما در عمل مردان، در این زمینه، همچنان از قدرت بالاتری برخوردارند.

تساهل و مدارا

در سنت قدیمی خانواده روند امور معمولاً مطابق با هنجارهای جاافتاده‌ای صورت می‌گرفت که از انعطاف برخوردار نبودند و اقدام خلاف آن توسط فرد از سوی گروه بزرگ‌تر (مثلاً خانواده) به رسمیت شناخته نمی‌شد. یکی از این هنجارها خواستگاری پسر از دختر بوده و عکس این موضوع هنجارشکنی و رفتار خارج از قاعده تلقی می‌شده است. در موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۶۶٫۷ درصد از پاسخگویان مخالف با خواستگاری دختر از پسر بوده‌اند و در پیمایش ملی خانواده این نسبت به ۴۳ درصد کاهش یافته است؛ بنابراین، می‌توان گفت که نگرش افراد به این موضوع در جهت تساهل بیشتر و به رسمیت شناختن برخی رفتارهای خارج از سنت قدیمی تغییر یافته است.

جدول ۵: نگرش نسبت به خواستگاری دختر از پسر

پیمایش ملی خانواده		موج دوم		خواستگاری دختر از پسر
موافق	مخالف	موافق	مخالف	
۳۷٫۴	۴۳	۲۳٫۸	۶۶٫۷	

از دیگر مواردی که سنت ایرانی سخت‌گیری بالایی نسبت به آن داشته، موضوع معاشرت، دوستی و زندگی مشترک دختر و پسر خارج از چارچوب ازدواج رسمی بوده است. مطابق با یافته‌های موج دوم حدود نیمی از پاسخگویان با معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از

ازدواج مخالف و ۳۸,۴ درصد موافق بوده‌اند که میزان مخالفت و موافقت در موج سوم به ترتیب ۶۳,۱ و ۲۳,۸ درصد بوده است؛ اما در گزارش وضعیت اجتماعی و پیمایش ملی خانواده شدت تفاوت نظرات بسیار کمتر از پیمایش‌های ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان است که احتمالاً ناشی از تفاوت در جامعه آماری باشد؛ اما در تمام پیمایش‌های یادشده میزان مخالفت با این موضوع بیش از موافقت بوده که نشان‌گر عدم پذیرش آن از سوی بخش بزرگ‌تری از جامعه است. همچنین، مطابق با یافته‌های گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و نیز پیمایش ملی خانواده بیش از چهارپنجم پاسخگویان با زندگی مشترک دختر و پسر بدون ازدواج رسمی مخالف هستند، نسبت مشابه در موج سوم ۶۰,۵ درصد است؛ بنابراین، بخش عمده جامعه چنین روابط خارج از هنجارهای جاافتاده و دیرپای جامعه را نمی‌پذیرد و این ارزش همچنان مورد تأیید بخش بزرگ‌تری از جامعه است.

جدول ۶: نگرش نسبت به دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج و زندگی مشترک آن‌ها
خارج از ازدواج رسمی

گزاره‌ها	موج دوم		موج سوم		گزارش وضعیت ...		پیمایش ملی خانواده	
	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق
معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج	۴۹,۸	۳۸,۴	۶۳,۱	۲۳,۸	۱۸۱,۷	۱۱,۳	۴۰,۶	۳۳,۶
زندگی مشترک دختر و پسر بدون ازدواج رسمی			۶۰,۵	۱۱,۴	۸۸	۴,۷	۸۰,۳	۹,۶

نگرش به حقوق و مشارکت اقتصادی زنان

مطابق با تقسیم کار سنتی جامعه ایران وظایف زنان عمدتاً به کارخانه محدود بوده است،

۱. در گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران و نیز موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان گزینه‌های پاسخ بدین صورت بوده است: شکالی ندارد/ مخالفم ولی کاری ندارم/ تذکر می‌دهم (البته در موج سوم گزینه «به مراجع ذیصلاح اطلاع می‌دهم» نیز وجود داشته است).

مگر در برخی مناطق که زنان در فعالیت‌های بیرون خانه نظیر کشاورزی مشارکت داشته‌اند. نگرش جامعه به این موضوع در پیمایش‌ها سنجش شده و مطابق با یافته‌های آن‌ها جامعه نسبت به کار زنان در بیرون از خانه نگرش بازتری دارد و بیش از نیمی از پاسخ‌گویان در تمام پیمایش‌ها با کار زنان در بیرون از خانه موافق بوده‌اند، به جز در پژوهش اسدی که قبل از انقلاب انجام شده و ۷۴ درصد از پاسخ‌گویان با این موضوع مخالف بوده‌اند و در پیمایش ملی خانواده هم ۴۵,۱ درصد اعلام موافقت و ۲۵ درصد هم اعلام مخالفت کرده‌اند.

در موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان و در پیمایش ملی خانواده، به ترتیب، ۶۱ و ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان موافق برخورداری زنان از حق طلاق بوده‌اند، اما این نسبت در موج سوم ۳۹ درصد بوده است. همچنین، میزان مخالفت با حق طلاق زنان در هر سه پیمایش یادشده بین ۳۱ تا ۴۰ درصد است. با توجه به اینکه در موج سوم روستاها هم نیز در جامعه آماری لحاظ شده است، بالاتر بودن نگرش سنتی‌تر در میان پاسخ‌گویان دور از انتظار نیست، لذا، در موج سوم ۴۳,۸ درصد از ساکنان مراکز استان‌ها، ۳۹,۳ درصد از شهرهای غیرمرکز استان و ۳۳,۱ درصد از ساکنان روستاها با حق طلاق زنان موافق و به ترتیب ۲۴,۵، ۳۵,۶ و ۴۱,۷ درصد نیز مخالف بوده‌اند؛ بنابراین، نگرش نسبت به حق طلاق زنان در روستاها همچنان سنتی‌تر از شهرها باقی مانده است.

جدول ۷: نگرش نسبت به حقوق و مشارکت اقتصادی زنان

گزاره‌ها	پژوهش اسدی		موج اول		موج دوم		موج سوم		پیمایش خانواده ایرانی		وضعیت فرهنگی	
	تأیید	رد	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف	موافق	مخالف
کار کردن زن در بیرون از خانه ^۱	۷۴	۱۹	۶۷,۴	۲۶,۸	۷۱,۹	۲۱,۱	۵۵,۴	۲۲,۴	۴۵,۱	۲۵	--	--
حق طلاق زنان	--	--	--	--	۳۱,۴	۶۱	۳۷,۱	۳۹	۳۹,۹	۶۰,۱	--	--
سهیم بودن زنان در تأمین مخارج مثل مردان	--	--	--	--	۳۰,۱	۵۸,۶	۲۳,۷	۵۰,۷	۳۶,۵	۶۳,۵	۲۱,۸	۴۸,۹

در ارتباط با سهیم شدن زنان در مخارج خانواده، در تمام پیمایش‌ها حدود نیمی از پاسخگویان موافق این موضوع بوده و بین یک پنجم تا اندکی بیش از یک سوم مخالف بوده‌اند. در پیمایش ملی خانواده ۳۶,۸ درصد از پاسخ‌گویان با این گزاره که «نان‌آور خانواده حتماً باید مرد باشد» موافق و ۳۲ درصد مخالف بوده‌اند. این موضوع در سطح شهرهای مرکز استان (۴۳,۴ درصد موافقت) با سایر شهرها (۳۷,۸ درصد موافقت) تفاوت معناداری دارد. لذا، می‌توان گفت که در مجموع، خانواده ایرانی سهیم شدن زنان در تأمین هزینه‌های خانوار را پذیرفته و حداقل یک سوم جمعیت از ایده «مرد نان‌آور» عبور کرده‌اند.

۱. در موج اول سؤال مربوطه به این شکل پرسیده شده است: «بعضی‌ها معتقدند کار بیرون منزل وظیفه مردهاست و زن‌ها وظیفه‌شان خانه‌داری است. شما با این نظر بیشتر موافقت یا مخالف؟». در صورتی که در موج دوم و سوم این گونه پرسیده شده است: موج دوم: «بعضی‌ها معتقدند زن‌ها وظیفه‌شان خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند. شما با این نظر تا چه اندازه موافق یا مخالفید؟» موج سوم: زن‌ها وظیفه‌شان فقط خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه کار کنند. همچنین در موج سوم یک سؤال دیگر با این مضمون پرسیده شده است: تا چه اندازه با کار زنان در بیرون از خانه موافق یا مخالف هستید؟ ۲۲,۴ درصد مخالف، ۲۲,۲ درصد فرقی ندارد و ۵۵,۴ درصد موافق. در پژوهش اسدی این گونه پرسیده شده است؟ آیا اجازه می‌دهید همسران خارج از خانه کار کنند؟ در پیمایش ملی خانواده ایرانی هم این گونه پرسیده شده است: تا چه اندازه با کار زنان در بیرون از خانه موافق یا مخالفید؟

نگرش به سن مناسب برای ازدواج

تعیین سن مناسب برای ازدواج تبدیل به یک مسئله شده و دیدگاه‌های مختلفی در ارتباط با آن مطرح شده است. طرفداران دیدگاه‌های رقیب خواهان مداخله قانون‌گذار برای تعیین سن مناسب (مطابق با دیدگاه آن‌ها) برای ازدواج هستند. در این میان، ارزش‌های اجتماعی و نگاه جامعه می‌تواند نقش مهمی در جهت‌دهی به قانون‌گذاران داشته باشد.

مطابق با یافته‌های پیمایش‌های مختلف، در پاسخ به مناسب‌ترین سن ازدواج برای دختران، گزینه ۱۶ تا ۲۰ سال بیشترین فراوانی پاسخ‌ها را داشته است و در تمام آن‌ها کمتر از ۴ درصد از پاسخگویان سن زیر ۱۵ سال را برای ازدواج دختران مناسب بیان کرده‌اند. همچنین، گزینه ۲۱ تا ۲۵ سال هم در همه پیمایش‌ها، به جز موج سوم با ۳۸٫۹ درصد، تقریباً ۴۲ درصد پاسخ‌ها را به همراه داشته است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد مطابق با یافته‌ها تمام پیمایش‌ها، به جز موج سوم (۸۶ درصد)، بالای ۹۰ درصد از پاسخگویان مناسب‌ترین سن ازدواج برای دختران را بین ۱۶ تا ۲۵ سال می‌دانند.

جدول ۸: سن مناسب برای ازدواج دختر و پسر از منظر پاسخ‌گویان

سن مناسب ^۱	گزارش وضعیت ...		موج دوم		موج سوم		پیمایش ملی خانواده	
	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر
تا ۱۵ سال	۲٫۸		۲٫۳		۳٫۹		۳٫۳	
۱۵-۲۰ (۱۶)	۴۷٫۴	۹	۵۰٫۸	۶٫۸	۴۷٫۱	۹٫۱	۴۵٫۵	۸٫۱
۲۱-۲۵	۴۲٫۲	۴۴٫۶	۴۴٫۱	۵۵٫۲	۳۸٫۹	۴۶٫۴	۴۱٫۹	۴۷٫۷
۲۶-۳۰	۷٫۳	۴۲٫۳		۳۶٫۷	۶٫۲	۳۷٫۶	۹٫۳	۳۸٫۳
۳۱ به بالا	۰٫۳	۴٫۱				۲٫۹		۵٫۹

۱. با توجه به اینکه در گزارش پیمایش‌های مورد بررسی، گزینه‌های سن مناسب برای ازدواج دختران از ۹ سالگی و برای پسران از ۱۵ سالگی شروع می‌شوند، در اینجا هم گزینه تا ۱۵ سال برای دختران تعریف شده و دسته دوم ۱۶ تا ۲۰ سال است؛ اما برای پسران اولین گزینه از ۱۵ سالگی شروع می‌شود و لذا، اولین دسته برای پسران ۱۵ تا ۲۰ سال است؛ بنابراین، عدد ۱۶ که در ستون دوم گزینه‌های پاسخ در داخل پراکنش آمده است به معنای ۱۶ تا ۲۰ سال برای دختران است؛ یعنی گزینه دوم پاسخ برای دختران ۱۶ تا ۲۰ سال و گزینه اول پاسخ برای پسران ۱۵ تا ۲۰ است که هر دو در یک خانه از جدول آمده‌اند.

علاوه بر این، باید تصریح کرد در پیمایش‌های اخیرتر از طرفداران ازدواج دختران در سن ۲۰ سال به پایین کاسته شده است. در مقابل، در پاسخ به سن مناسب ازدواج برای پسرها، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال بوده است. در مجموع بیش از ۸۵ درصد پاسخگویان سن بین ۲۱ تا ۳۰ سالگی را سن مناسب ازدواج پسران ذکر کرده‌اند. گزارش مرکز آمار ایران نیز میانگین سن اولین ازدواج برای دختران و پسران در ایران در سال ۱۳۹۵ به ترتیب ۲۳ و ۲۷,۴ سال اعلام کرده است که آنچه مطلوب پاسخگویان بوده هم‌خوانی دارد.

تعداد مطلوب فرزند

موضوع فرزندآوری امروزه به یک دغدغه برای مسئولان و قانون‌گذاران کشوری تبدیل شده است؛ چراکه مطابق برخی پیش‌بینی‌ها جمعیت ایران به زودی وارد مرحله سالمندی خواهد شد و لذا، تأکید شدیدی بر موضوع فرزندآوری می‌شود؛ تاجایی که قوانینی در حمایت از جوانی جمعیت نیز تصویب شده است. پیش‌شرط هر نوع سیاست‌گذاری در این زمینه آگاهی از نگاه جامعه به تعداد مطلوب فرزند است. در حالی که تمام پیمایش‌ها، بیشترین فراوانی تعداد مطلوب فرزند ۲ است، اما در پیمایش‌های دهه ۹۰ نسبت کسانی که تعداد مطلوب فرزند را بیش از دو فرزند بیان کرده‌اند افزایش یافته است؛ برای نمونه در حالی که در موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، نسبت کسانی که بیش از دو فرزند را اعلام کرده بودند ۱۴,۳ درصد بود، این نسبت در پیمایش خانواده به ۶۰,۳ درصد رسیده است. در حالی که نرخ باروری کل در ایران زیر ۲ است.

جدول ۹: تعداد مطلوب فرزند از نگاه پاسخگویان

تعداد فرزندان مطلوب	اسدی	موج دوم	موج سوم	پیمایش خانواده	گزارش وضعیت فرهنگی
هیچ	۱	--	۰,۵	۰,۵	۰,۳
۱ فرزند	۲۷	۱۱,۵	۸,۲	۳,۴	۱۱
۲ فرزند	۲۸	۷۴	۴۸,۱	۳۵,۸	۴۷,۴
۳ فرزند	۱۹	۱۰,۷	۲۲,۱	۱۹,۴	۱۹,۶
۴ فرزند	۵	۳,۶	۱۶	۲۵,۶	۱۶,۳

تعداد فرزندان مطلوب	اسدی	موج دوم	موج سوم	پیمایش خانواده	گزارش وضعیت فرهنگی
۵ فرزند و بیشتر	۴	۰,۳	۴,۲	۱۵,۳	۵,۲

خوشبختی و رضایت از زندگی

اهمیت ارزش‌های مادی و فرامادی (برگرفته از ایده تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت (۱۳۹۵)) در خانواده ایرانی و بین نسل‌های مختلف یکی از سنج‌های بسیاری از پژوهش‌ها درباره خانواده در ایران بوده است. مطابق با یافته‌های پیمایش‌های ملی، امروزه ارزش‌های مادی، به‌عنوان عامل خوشبختی، ارزش و اولویت بالاتری نزد پاسخگویان پیدا کرده است. هرچند که مطابق با ایده اینگلهارت در فرایند توسعه جوامع از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی حرکت می‌کنند، اما یافته‌های پیمایش‌های ملی در ایران، در ارتباط با عامل خوشبختی، جامعه ایران از ارزش‌های غیرمادی به سمت ارزش‌های مادی چرخش داشته است. درحالی که در موج دوم هر سه عامل اول خوشبختی از نگاه مردم عوامل غیرمادی بودند، اما در موج سوم «آسایش و رفاه» به رتبه سوم عوامل می‌رسد و در گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و پیمایش ملی خانواده «پول و ثروت» تبدیل به نخستین عامل می‌شود. می‌توان برای توضیح این چرخش اصطلاح «جامعه بازار» (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۹۰؛ سندل، ۱۳۹۳) را به کار بریم که به معنای رخنه ارزش‌های مادی و اقتصادی به عرصه زندگی اجتماعی و تسلط بر آن است.

جدول ۱۰: مهم‌ترین عوامل خوشبختی خانواده از نگاه پاسخگویان

پیمایش‌ها	عامل اول (درصد)	عامل دوم (درصد)	عامل سوم (درصد)
موج دوم	تفاهم در زندگی خانوادگی (۱۸,۹)	ارزش‌های مذهبی (۱۸,۲)	برخورداوری از ارزش‌های اخلاقی (۱۲,۴)
موج سوم	سلامتی (۱۷,۲)	ارزش‌های اخلاقی (۱۰,۸)	آسایش و رفاه (۱۰,۳)
گزارش وضعیت ...	پول و ثروت (۳۲,۵)	همسر خوب و تفاهم در زندگی (۹,۳)	صداقت و درستکاری (۹,۱)
پیمایش ملی خانواده	پول و ثروت (۱۸,۶)	سلامتی (۱۷,۲)	تفاهم (۱۲,۴)

احساس خوشبختی و رضایت از زندگی نیز یکی دیگر از شاخص‌هایی است که نگرش به خانواده را نشان می‌دهد. در موج اول ۸۰,۴ درصد از پاسخگویان احساس خوشبختی خود را بالا بیان کرده‌اند، اما در موج دوم و سوم به زیر پنجاه درصد رسیده است؛ بدین معنا که کمتر از نیمی از مردم احساس خوشبختی می‌کنند.

جدول ۱۱: احساس خوشبختی و رضایت از زندگی خانوادگی

پیمایش‌ها	احساس خوشبختی		رضایت از زندگی خانوادگی	
	زیاد	کم	زیاد	کم
اسدی	--	--	۵۸	۵
موج اول	۸۰,۴	۷,۴	۸۰,۵	۷,۴
موج دوم	۴۹,۷	۱۲,۱	--	--
موج سوم	۴۶,۸	۱۱	۸۴,۹	۲
پیمایش خانواده	--	--	۶۱,۱	۱۰,۹
گزارش وضعیت فرهنگی	--	--	۸۴,۳	۲,۸

اما میزان رضایت از زندگی خانوادگی که در پژوهش اسدی (۱۳۵۳) ۵۸ درصد بوده است، در موج اول به ۸۰,۵، موج سوم ۸۴,۹، گزارش وضعیت فرهنگی ۸۴,۳ است و در پیمایش خانواده که تازه‌تر از سایر پیمایش‌ها است به ۶۱,۱ درصد کاهش پیدا کرده است. در مقابل در تمام پیمایش‌ها، به‌جز پیمایش ملی خانواده (۱۰,۹ درصد) کمتر از ۸ درصد پاسخگویان رضایت از زندگی خانوادگی را کم ارزیابی کرده‌اند که در مجموع نشان‌گر رضایت از زندگی خانوادگی و اهمیت داشتن آن برای افراد است.

۱. در پژوهش اسدی گزینه‌های پاسخ به رضایت از زندگی خانوادگی به صورت «کاملاً»، «تاحدی» و «خیر» بوده است که در اینجا کاملاً معادل رضایت زیاد و خیر معادل رضایت کم در نظر گرفته شده و گزینه تا حدی «۳۶ درصد» حذف شده است. علاوه بر این، در پژوهش اسدی یک پرسش دیگر بدین شکل «آیا در مجموع از زندگی خود رضایت دارید؟» پرسیده شده است که ۴۶ درصد از پاسخگویان بیان کرده‌اند کاملاً، ۴۲ درصد تا حدی و ۸ درصد هم خیر. همچنین، در گزارش وضعیت اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی جامعه در قالب رضایت از اعضای خانواده سنجش شده است.

مرجعیت خانواده

خانواده همواره برای افراد مرجعیت داشته و نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی به ارزش‌ها، نگرش‌های، گرایش‌ها و رفتارهای افراد داشته است؛ اما به واسطه تغییرات رخ داده در محیط بیرون از خانواده و اثرگذاری آن بر خانواده، از جمله فردی شدن و افزایش استقلال اعضاء خانواده احتمالاً مرجعیت خانواده کم‌رنگ شده باشد. مرجعیت خانواده در امور مختلف زندگی اعضاء، از ازدواج گرفته تا رفتار سیاسی، خود را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲: میزان مرجعیت خانواده

موج سوم	موج دوم	گزاره‌ها
۶۱٫۸		میزان اهمیت نظر خانواده در موضوعات سیاسی
۷۳	۶۳٫۸	گذران اوقات فراغت با خانواده

در موج سوم میزان اهمیت خانواده در موضوعات سیاسی از افراد پرسیده شده است که ۶۱٫۸ درصد آن را «مهم» تلقی کرده‌اند. این در حالی است که در موج سوم اهمیت نظر خانواده در موضوعات سیاسی بیش از دیگر گروه‌های مورد پرسش از جمله مسئولین، علما و روحانیون، اساتید دانشگاه، معلمان، ورزشکاران، هنرمندان و ... بوده است. همچنین، در ارتباط با گذران اوقات فراغت ۷۳ درصد از پاسخگویان در موج سوم و ۶۳٫۸ درصد در موج دوم بیان کرده‌اند که اوقات فراغت خود را با خانواده می‌گذرانند که بیان‌گر جایگاه بالای خانواده در شبکه تعاملات برای افراد است.

جدول ۱۳: میزان اعتماد به اعضاء خانواده (به‌عنوان یکی از شاخص‌های مرجعیت خانواده)

کم	متوسط	زیاد	
۱٫۷	۹٫۸	۸۸٫۶	میزان اعتماد به خانواده

علاوه بر این، میزان اعتماد به خانواده هم شاخص دیگری است که مرجعیت خانواده را نشان می‌دهد. در گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ۸۸٫۶ درصد از پاسخگویان میزان اعتماد به خانواده را زیاد و تنها ۱٫۷ درصد آن را کم و ۹٫۸ درصد

متوسط بیان کرده‌اند. در موج اول نیز ۹۷,۵ درصد از پاسخگویان اهمیت خانواده را زیاد ارزیابی کرده‌اند.

همچنین، در پیمایش ملی خانواده ایرانی از پاسخگویان پرسیده شده که تصمیم‌گیر اصلی در امر ازدواج شما کیست؟ ۳۳,۵ درصد از پاسخ‌گویان بیان کرده‌اند که «خودم»، ۲۴ درصد خانواده و ۴۲ درصد خود و خانواده را بیان کرده‌اند که بیان‌گر این است در مجموع در ۶۶,۵ درصد از تصمیم‌گیری‌های ازدواج خانواده نقش اصلی را دارد. در همین ارتباط از این نظر که خود شخص تصمیم‌گیرنده اصلی ازدواج باشد بر مبنای جنسیت و تحصیلات وضعیت متفاوت است؛ ۴۱,۲ درصد مردان و ۲۶,۶ درصد زنان و برحسب تحصیلات بدین شکل است: از افراد بی‌سواد ۱۴,۴ خودشان تصمیم‌گیر هستند و ۶۰ درصد هم بیان کرده‌اند که در موضوع ازدواج خانواده برای آن‌ها تصمیم گرفته یا می‌گیرد؛ در حالی که این نسبت برای افراد دارای تحصیلات عالی به ترتیب ۴۲,۳ و ۹,۹ درصد است.

جدول ۱۴: تصمیم‌گیر امر ازدواج

تصمیم‌گیر برای ازدواج ^۱	خودم	خانواده	خودم و خانواده
	۳۳,۵	۲۴,۵	۴۲

نکته دیگر اینکه رشد فردیت در میان سنین پایین‌تر بیشتر است (هرچند در مورد امر تصمیم‌گیر ازدواج در بین ۳۰ تا ۴۹ ساله‌ها بیشتر از دیگر گروه‌ها است). ۲۷,۴ درصد از افراد در سن ۱۵ تا ۲۹ سال معتقدند اگر دختر، به‌رغم مخالفت خانواده، از پسری خوشش آمد با او ازدواج کند. این میزان در گروه ۳۰ تا ۴۹ سال ۲۱,۲ و در ۵۰ سال و بالاتر ۲۰,۷ درصد است. موضوع فوق در مورد پسران شدیدتر است؛ به ترتیب ۳۰,۷؛ ۲۳,۳ و ۲۳ درصد. بدین ترتیب، یافته‌های فوق بیان‌گر این است که با وجود تغییرات رخ داده در ابعاد مختلف خانواده و رشد فردیت، اما خانواده همچنان نزد اعضای آن دارای مرجعیت و اهمیت است.

۱. سؤال مربوطه بدین شکل طرح شده است: در ازدواج شما تصمیم‌گیرنده اصلی چه کسی/کسانی بودند (درمورد متأهلین) یا هستند (در سؤال از افراد مجرد).

شبکه حمایتی

خانواده در ایران همواره نقش شبکه حمایتی را برای اعضای خود بازی کرده و امروزه نیز این نقش همچنان پررنگ است. در گزارش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران ۸۹٫۴ درصد از پاسخ‌گویان میزان احساس مسئولیت خود در قبال خانواده را زیاد و تنها ۱٫۹ درصد آن را کم بیان کرده‌اند. علاوه‌براین، میزان کمک و یاری بین اعضای خانواده، از نظر ۷۸٫۹ درصد از پاسخ‌گویان بالا بوده و تنها ۲٫۱ درصد آن را کم بیان کرده‌اند. همچنین، نزد ۸۶٫۱ درصد از پاسخ‌گویان میزان رفت‌وآمد با خانواده زیاد و تنها برای ۲٫۴ درصد کم بوده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که خانواده در ایران همچنان جایگاه بالایی در شبکه حمایتی برای اعضایش دارد.

جدول ۱۵: میزان شبکه حمایتی خانواده (یافته‌های گزارش وضعیت اجتماعی ...)

گزاره‌ها	کم	متوسط	زیاد
احساس مسئولیت کردن	۱٫۹	۸٫۷	۸۹٫۴
کمک و یاری کردن	۲٫۱	۱۰٫۰	۷۸٫۹
رفت‌وآمد داشتن	۲٫۴	۱۱٫۵	۸۶٫۱

نتیجه‌گیری

یافته‌های پیمایش‌های ملی تصویری از خانواده ایرانی را به نمایش می‌گذارند که کم‌وبیش با یافته‌های دیگر پژوهش‌ها هم‌خوانی دارد، البته این پیمایش‌ها نسبت به سایر پژوهش‌ها سیمای کلان‌تر و نسبتاً کامل‌تری از خانواده در ایران و تغییرات آن را ارائه می‌کنند. بر مبنای این یافته‌ها، خانواده در ایران طی دهه‌های اخیر در ساختار و شیوه تعاملات درونی، تغییراتی را تجربه کرده است. یکی از مهم‌ترین نمودهای دگرگونی در عرصه خانواده رشد فردیت اعضای خانواده است. اگر در گذشته افراد در درون اجتماع بزرگ‌تر ذوب شده بود و نمود فردی کمتر داشتند، امروزه رشد فردیت یک ویژگی برجسته خانواده است. منظور از فردیت، همان‌گونه که الریک بک آن را صورت‌بندی می‌کند، این است که «رفتار فرد کمتر از سوی ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و منبع هویت جمعی از قبیل طبقه اجتماعی محدود می‌شود» (لایت و ویلن، ۲۰۰۲: ۲۱۳). در اینجا لازم است که بین دو نوع فردیت

تفکیک قائل شد، یعنی فردگرایی^۱ و فردی شدن^۲. فردگرایی که در رویکردهای نئولیبرال مرکزیت دارد، بر ایده انسان خودبسنده^۳ و این پیش فرض متکی است که افراد به تنهایی می‌توانند تمام ابعاد زندگی خود را کنترل کرده و ظرفیت عمل و کنش را از درون خود بگیرند (بک و بک، ۲۰۰۲: XXI). مطابق با این دیدگاه افراد انسانی از اجتماع بزرگ‌تر منتزع و فک شده و خود رأساً دست به کنش می‌زنند و حس تعهد متقابل در وی ضعیف است؛ اما این پیش فرض با تصویر جامعه‌شناختی از فرد که در اجتماع بزرگ‌تر حکم شده است، همخوانی ندارد. مفهوم فردی شدن بر این ایده استوار است که «افراد تبدیل به واحد مرکزی زندگی اجتماعی می‌شوند» و این شکل از فردیت «خطری برای انسجام اجتماعی ندارد، هر چند [تحقق] آن را امکان‌پذیر می‌سازد» (همان). در واقع، به واسطه تغییرات ناشی از مدرنیته، رابطه فرد با اجتماع بزرگ‌تر به روال قبل در یک چارچوب سفت و سخت باقی نمی‌ماند و افراد حدی از استقلال عمل را به دست می‌آورند که می‌توانند با آزادی عمل بیشتری در امور مربوط به خود تصمیم بگیرند. یافته‌های پیمایش‌ها نیز شکلی از رشد فردیت در ایران را نشان می‌دهند که در آن افراد حدی از استقلال و آزادی عمل را به دست آورده‌اند، اما آن را در چارچوب خانواده به کار می‌گیرند و هنوز نمی‌توانند بریده و جدا شده از آن عمل می‌کنند؛ بنابراین، فردیت رشد یافته در خانواده ایرانی را می‌توان نزدیک به مفهوم فردی شدن مدنظر بک و بک (۲۰۰۲) تفسیر کرد، هر چند که نمود این فردیت در بیرون از دایره خانواده و خویشاوندان می‌تواند به مفهوم نئولیبرالی فردیت نزدیک‌تر باشد.

از دیگر ویژگی‌هایی که می‌توان بر مبنای یافته‌های پیمایش‌های ملی برای خانواده در ایران برشمرد این است که خانواده در مسیر سنت‌زدایی حرکت می‌کند و برخی از سنت‌های دیرپا و جاافتاده گذشته در حال کم‌رنگ شدن و از دست دادن قدرت قاهره خود هستند. همین امر سبب شده که مدارا و تساهل نسبت به اعضاء خانواده و تصمیمات آن‌ها جای خود را باز کند. البته این امر در بین گروه‌های سنی، تحصیلی و محل سکونت یکسان

-
1. Individualism
 2. Individualization
 3. Autarkic human self

نیست و نسل جوان تر در این زمینه گشودگی بیشتری نسبت به نسل های گذشته دارد؛ بنابراین، می توان گفت سیمای آینده خانواده ایرانی باز بودن و گشودگی بیشتر نسبت به امور سابقاً سخت است. این امر به ویژه در نگرش نسبت به زنان و نقش آفرینی، استقلال و آزادی عمل آنها قابل مشاهده است.

علاوه بر این، خانواده در ایران به سمت مشارکتی شدن حرکت کرده است، هر چند سرعت حرکت آن در واقعیت بیرونی به میزان تغییر نگرش و ذهنیت نسبت به آن نیست، اما دریچه های آن برای مشارکت بیشتر اعضاء باز شده است؛ بنابراین، یکی دیگر از ویژگی های مسیر آینده خانواده ایران خروج از پوسته پدرسالاری است.

در مجموع، با وجود تغییرات رخ داده، خانواده در ایران همچنان برای اعضاء دارای مرجعیت بوده و نقش مهمی در شکل دهی به شبکه حمایتی آنها دارد. خانواده در ایران به شدت از اعضاء خود حمایت می کند و به رغم رشد فردیت و استقلال فردی، همچنان در انتخاب های مهم افراد برای زندگی نقش آفرینی می کند و تصمیمات مهم عمدتاً با محوریت خانواده انجام می شوند؛ بنابراین، ما با شکلی از خانواده در ایران روبه رو هستیم که در عین اینکه فضا را برای استقلال عمل افراد باز می کند، اما همچنان فرد را در درون خود حک کرده و حصار امنی را برای وی فراهم می کند. این امر سبب شده با وجود انعطاف پذیری بیشتر و تجربه تغییرات، خانواده در ایران هنوز از یک ثبات و جایگاه مهم برای افراد برخوردار باشد.

منابع

۱. اسدی، علی. (۱۳۵۶). *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران*؛ گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳. پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۲. اسلیتر، دن و فرن تونکیس. (۱۳۹۰). *جامعه بازار؛ بازار و نظریه اجتماعی مدرن*. ترجمه حسن قاضیان. تهران؛ نشر نی.
۳. افشار کهن، جواد، بلالی، اسماعیل و واعظ زاده، ساجده. (۱۳۹۸). «آینده پژوهی تغییرات اجتماعی خانواده (ارائه یک مدل نظری ترکیبی)». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹(۴).
۴. آزاد ارمکی، تقی و مصطفی ظهیری‌نیا. (۱۳۸۹). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده». *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۶(۲۳).
۵. آزاد ارمکی، تقی، مهناز زند و طاهره خزایی. (۱۳۸۱). «روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل». *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*. ۱۲ و ۱۳(۴۴ و ۴۵).
۶. اینگلهات، رونالد. (بی تا). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران؛ نشر کویر.
۷. بگی، میلاد و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۳۹۹). «پویایی خانوار در ایران: مطالعه چهار دهه تغییرات در ساختار خانواده و خانوار». *فصلنامه جمعیت‌شناسی ایران*. ۱۵(۳).
۸. تنهایی، ابوالحسن و عالیہ شکریگی. (۱۳۸۷). «جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی)». *فصلنامه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد آشتیان*. ۱۱.
۹. جهاد دانشگاهی واحد البرز. (۱۳۹۷). *گزارش پیمایش ملی خانواده*.
۱۰. چیت‌ساز، محمدجواد. (۱۴۰۲). «خانواده ایرانی و تحولات فرهنگی - اجتماعی: تحلیل نسلی». *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*. ۱۴(۱).
۱۱. خانی، سعید، حسین محمدزاده و محمدجلال عباسی شوازی. (۱۳۹۷). «مقایسه میان نسلی ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنندج». *مسائل اجتماعی ایران*. ۱۰(۲).

۱۲. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۷۹). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. موج اول. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۳. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. موج دوم. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۴. دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۹۵). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. موج سوم. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۵. رستگار خالد، امیر و میثم محمدی. (۱۳۹۴). «تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۵۸.
۱۶. زارع، بیژن و اصل روستا، ابوالفضل. (۱۳۸۹). «بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد». *مسائل اجتماعی ایران*. ۱۱(۱).
۱۷. سرایی، حسن و سجاد اوجاقلو. (۱۳۹۲). «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران: مطالعه موردی زنان شهر زنجان». *مطالعات توسعه اجتماعی*. ۵(۴).
۱۸. سرایی، حسن. (۱۳۸۱). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران». *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*. ۲.
۱۹. سندل، مایکل. (۱۳۹۳). *آنچه با پول نمی‌توان خرید؛ مرزهای اخلاقی بازار*. ترجمه حسن افشار. تهران: انتشارات مرکز.
۲۰. شکریگی، عالییه. (۱۳۹۰). «مدرن‌گرایی و سرمایه اجتماعی (درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در ایران)». تهران: جامعه‌شناسان.
۲۱. شکوری، علی و آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۱). «مدرنیته و خانواده تهرانی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان (مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی)*. ۳۱-۳۰.
۲۲. شورای اجتماعی کشور. (۱۳۹۶). *گزارش پیمایش ملی وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران*. با همکاری دانشگاه تهران و دفتر طرح‌های ملی.

۲۳. صادقی، رسول و مریم رضایی. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی - فرهنگی بر نوع نگرش به ازدواج جوانان در شهر تهران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۸(۴۵).
۲۴. عباسی شوازی، مجدمجلال و مرجان رشوند. (۱۳۹۶). «سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲-۳۴ ساله شهر تهران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. ۱۳(۲۶).
۲۵. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۱). خانواده و زندگی شهری: تحول خانواده‌ها در بستر تجدد، شهرنشینی و رسانه‌ای شدن. تهران؛ تیسرا.
۲۶. قانع‌راد، محمدمبین و فاطمه عزلتی مقدم. (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی تشخیص‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسائل خانواده و ازدواج». مسائل اجتماعی ایران. ۱۱(۱).
۲۷. کاظمی‌پور، شهلا. (۱۴۰۰). «تغییرات فرهنگی و تحول خانواده معاصر با تأکید بر ازدواج و فرزندآوری». فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ. ۱۱(۱).
۲۸. کرمی قهی، محمدتقی و مینا موسوی‌زاده. (۱۳۹۴). «سنخ‌شناسی نگرش به ارزش‌های سنتی خانواده». مطالعات جنسیت و خانواده. ۳(۲).
۲۹. کرمی، محمدتقی و فراهانی، مژگان. (۱۳۹۵). «استراتژی‌های خانواده ایرانی در مواجهه با دیالکتیک فردیت و خانواده؛ نشانه‌شناسی خانواده در سینمای ایران». مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۲(۴۴).
۳۰. محمدپور، احمد، رضایی، مهدی، پرتوی، لطیف و صادقی، رسول. (۱۳۸۸). «بازسازی معنایی تغییرات خانواده به شیوه نظریه زمینه‌ای: (مطالعه موردی: ایلات منگور و گورک)». خانواده پژوهی. ۵(۱۹).

31. Abbasi-Shavazi, M. J. & McDonald, P. (2008). Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State. *International Family Change: Ideational Perspectives*. 177-198.
32. Aghajanian, A. (2001), Family and Family Change in Iran, in Diversity in Charles B. Hennon and Timothy H. Brubaker, Belmont, Ca (2001), Families: A Global Perspective, Wadsworth Publishing Company.
33. Beck, U. and Beck-Gernsheim, E. (2002) *Individualization: Institutionalized Individualism and Its Social and Political Consequences*, SAGE, Thousand Oaks, CA.
34. Goode, W. J. (1963). "Industrialization and family change," in B.F. Hoselitz and W.E. Moore (eds.), *Industrialization and Society*.

- Mouton: UNESCO, pp. 237–255.
35. Kagitcibasi, C. (1996). Family and Human Development Across Cultures: A View from the Other Side. Lawrence Elbaum Associates, Inc.
 36. Layte, R. and Whelan, C.T. (2002) Cumulative disadvantage or individualisation? A comparative analysis of poverty risk and incidence. *European Societies*, 4 (2), 209–233.
 37. Van deKaa, Dork, J (2002). The Idea of a Second Demographi
 38. Zaidi, Batool & Philip Morgan S. (2017). The Second Demographic Transition Theory: A Review and Appraisal. *Annual Review of Sociology*. 43. 473-492. Ddoi: 10.1146/annurev-soc-060116-053442